

شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی

احسان محمدی ترکمانی^۱، حمید نریمان^۲، حسین خنیفر^۳

۱. دکتری مدیریت ورزشی پردیس فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی سازمان‌های ورزشی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

۳. استاد مدیریت و برنامه‌ریزی پردیس فارابی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی بود. این مطالعه با رویکرد آمیخته و تلفیقی از روش‌های پدیدارشناسی، تحلیل مضمون در مرحله کیفی و روش کمی انجام شد. تحلیل مضمون ۳۵ منبع چارچوب ارزش‌های ورزشی را مورد شناسایی قرار داد که با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ده نفر خبره مورد تأیید واقع شد. مصاحبه‌های پدیدارشناسانه با ۴۰ نفر از شهروندان از چهار نسل مختلف نیز برای تحلیل تفاوت‌های تجارب ورزشی انجام شد. نمونه‌گیری در این بخش به صورت هدفمند و در دسترس بود و با اشباع نظری به اتمام رسید. برای تحلیل تفاوت‌های ارزشی نیز کلیه شهروندان تهرانی جامعه آماری مدنظر بودند. ۳۸۴ نفر از آنان از چهار نسل مختلف به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه محقق‌ساخته مبتنی بر یافته‌های تحلیل مضمون را تکمیل کردند. نتایج نشان داد در بستر ورزش شش دسته از ارزش‌های منفعت‌طلبانه، اجتماعی، زیبایی‌شناختی، جنسیتی، سلامتی و جهانی به وجود می‌آید. در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی بین نسل‌های چهارگانه تفاوت آماری معنادار وجود داشت، اما در ارزش‌های اجتماعی و جهانی بین چهار نسل تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد. همچنین شهروندان ایرانی پنج دسته از تجارب ورزشی شامل فیزیک برتر، روان برتر، تمایز، جایگاه اجتماعی برتر و تجارب منفی را تجربه می‌کنند. این تجارب در دو گروه کلی تجارب فرد محور و اجتماع محور بودند. عموماً تجارب مثبت ورزش در نسل‌های سوم و چهارم و تجارب منفی آن در نسل‌های اول و دوم پررنگ‌تر بودند، لذا لازم است این تفاوت‌ها بین نسل‌های مختلف مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران ورزشی قرار گیرد تا زمینه مشارکت حداکثری همه نسل‌های ایرانی در ورزش فراهم گردد.

واژگان کلیدی: تجربه ورزش، نسل‌های ایرانی، ارزش‌های ورزشی، تمایز

1. Email: Ehsan.mohamadi@ut.ac.ir

2. Email: h.nariman90@gmail.com

3. Email: khanifar@ut.ac.ir

مقدمه

جامعه جدید همواره در حال تغییر است و تغییرات پرشتاب از ویژگی‌های این جامعه است. این تغییرات لزوم دگرگونی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و به هنگام سازی آن‌ها را خاطر نشان می‌کند. چراکه زمینه اجتماعی و فرهنگی در دوران جدید با سرعت بالایی تغییر می‌کند. از این رو لازم است تا سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی نیز نسبت به این تغییرات، انطباق‌پذیری لازم را داشته باشند. تغییرات زمینه اجتماعی و فرهنگی خود را در تفاوت‌های میان نسل‌ها^۱ باز نمودن می‌کنند، نسل‌های مختلف موقعیت‌ها، رویدادها و وضعیت‌های مختلفی را تجربه می‌کند و از این رو است که ابژه‌های نسلی خویش را نیز دارند (شالچی و ضیاچی، ۱۳۹۳). بررسی مفهوم نسل نشان می‌دهد تعاریف بسیاری از آن شده است با این حال وفاق کاملی در مورد معنای نسل وجود ندارد شاید این مسئله به این دلیل است که مفهوم نسل، مفهومی بسیار انعطاف‌پذیر است. شاید بتوان گفت یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندانشان. بدین ترتیب ما شاهد حضور سه نسل در هر دوره هستیم؛ پدربزرگان و مادربزرگان، پدران و مادران و فرزندان (بالس^۲، ۲۰۱۳). واژه نسل در معنای عام یا از نقطه نظر زیستی و شجره‌شناختی به معنای یک رسته هم‌دوره که در یک‌زمان از یک دنیای مشترک بهره می‌گیرند، اطلاق می‌شود (جاجرمی، ۱۳۷۷). در جمعیت‌شناختی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک‌زمان فارغ‌التحصیل می‌شوند، گروهی که در یک‌زمان بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵). درجایی دیگر نسل این‌گونه تعریف شده است گروهی از افراد که در فاصله زمانی معینی به دنیا آمده‌اند و موقعیت‌های تاریخی خاص و علایق خاص در سطح فردی و سیستمی آن‌ها را از هم تفکیک می‌کند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶). اما از آن‌جا که همواره و به‌طور پیوسته فرزندان در هر جامعه متولد می‌شوند، نقطه مشخصی وجود ندارد که یک نسل را از نسل دیگر جدا کند. بنابراین تمایز قائل شدن بین معاصران (کسانی که در یک‌زمان به سر می‌برند) و همسالان (کسانی که در یک سن قرار دارند) دارای اهمیت است (تاجیک، ۱۳۸۱). اعتقاد بر این است که افراد هر نسل به دلیل قرار گرفتن در یک‌زمان مشترک، معمولاً از خواسته‌های نسبتاً مشترکی برخوردار هستند. زمانی که دو نفر که تقریباً هم‌نسل هستند، تشکیل خانواده داده و صاحب فرزند می‌شوند معمولاً فرزندشان در نسلی غیر از نسل خود آن‌ها متولد می‌شود و تابع ایده آل‌های نسل خویش می‌گردد و ممکن است در این زمان بین خواسته‌های

-
1. Generation
 2. Bollas

والدین و فرزندشان شکافی ایجاد شود که علمای علوم انسانی از آن با عنوان «شکاف نسلی^۱» یاد می‌کنند (کفاشی، ۱۳۹۴). قابل ذکر است درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر مفاهیم متعددی بکار رفته است. گاهی صحبت از «تفاوت نسلی^۲» شده است، تفاوت اندک دو نسل در ارزش‌ها یا هنجارها یا در نگرش‌ها طبیعی بوده و تقریباً در همه جوامع و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه‌های روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند. اختلاف دو نسل بعضاً در مفهوم انقطاع یا «گسست نسلی^۳» به کار برده می‌شود و آن عبارت از اختلافی در ارزش‌ها یا هنجارها و نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. اما رایج‌ترین مفهوم بکار رفته درباره اختلاف نسلی همان مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد شکاف نسلی به‌عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود (معیدفر، ۱۳۸۳). معیدفر (۱۳۸۳) بیان می‌کند گاهی مفاهیم شکاف، گسست و انقطاع نسلی به‌جای یکدیگر به کار رفته‌اند و در تمایز این مفاهیم تعاریف دقیقی ارائه نشده است اما شاید بتوان گفت مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسل‌ها اشاره دارد درحالی‌که منظور از شکاف نسلی وجود وجوه نازل‌تر چنین اختلافی میان نسل‌ها است (معیدفر، ۱۳۸۳).

رابطه نسلی، پدیده‌ای قرن بیستمی است و بیشتر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی است که پدیده جوانی و رابطه نسل‌ها به‌عنوان معضل اجتماعی به‌طور جدی توجه تحلیل‌گران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی را به خود جلب می‌کند. کارل مانهایم^۴ را می‌توان نخستین نظریه‌پردازانی که مفهوم نسل را وضع کرد، نام برد. مانهایم (۱۹۵۲) از برخورد تازه در اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. افرادی را که در درون نسل‌ها موجودند و دارای مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند متمایز کرده و از آن‌ها به‌عنوان «واحد نسلی^۵» یاد می‌کند (احمدی و نمکی، ۱۳۹۲). واحد نسلی که به معنای گروه سنی - زیستی در نظر گرفته شده دارای چندین ویژگی به این شکل است: ۱- دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی است؛ این موقعیت تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه ممکن با توجه به شرایط است. ۲- سرنوشت و علقه مشترک بر اساس طبقه‌بندی اقتصادی اجتماعی دارند. ۳- دارای

-
1. Generation Gap
 2. Generation Difference
 3. Generation Discontinuity
 4. Karl Mannheim
 5. Generation Units

هویت واحد بر اساس تجربه مشترک هستند، مانهایم (۱۹۵۲) مدعی بود دگرگونی سریع در تشدید اختلاف میان نسل‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد (عیوضی، ۱۳۹۴). مارگارت مید^۱ یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که با بررسی حرکت‌های دانشجویی در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای غربی ادعا کرد که علت رفتارهای غیرمتعارف و حتی ضد فرهنگی جوانان وجود شکاف‌های نسلی بین آن‌ها است که قبل و بعد از جنگ جهانی دوم متولد و بزرگ شده‌اند. کسانی که پس از جنگ جهانی دوم بزرگ شده‌اند، زندگی خود را در دنیایی شروع و تجربه کرده‌اند که کاملاً با دنیای قبل از آن تفاوت دارد. در نتیجه بین نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم شکاف نسلی عمیقی به وجود آمده است. مید (۱۹۷۸) علت ایجاد شکاف نسلی را تغییرات اجتماعی وسیعی می‌داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد عرصه جدیدی از رشد و تحول کرده است (همان منبع). صاحب‌نظر دیگری که نظریات او می‌تواند به توضیح تفاوت‌های نسلی کمک کند، رونالد اینگلهارت^۱ است که بیان می‌دارد در دهه هشتاد در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزش‌های فرا مادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرا مادی اولویت بیشتری می‌دهد. اینگلهارت در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده به شکل زیر می‌پردازد: ۱- فرضیه کمیابی که بنابر آن اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی او است. فرضیه کمیابی به دگرگونی کوتاه‌مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد. دوره‌های پروتق به افزایش فرا مادی‌گرایی و دوره‌های کمیابی به مادی‌گرایی می‌انجامد. ۲- فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده بازتاب شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغ فراهم شده است. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (معدفر، ۱۳۸۳). او نظریه دگرگونی ارزشی را که دلالت بر جابجایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های غیرمادی دارد، به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قائل نیست. جوانان به‌مراتب بیشتر از بزرگسالان بر خواسته‌های فرا مادی تأکید دارند و تحلیل دگرگونی سنی مبین این است که این موضوع به‌مراتب بیشتری بازتاب دگرگونی نسل‌ها تا انعکاس سالخوردگی است. اینگلهارت دگرگونی حاصل شده در جامعه بر مبنای تحولات اقتصادی و اجتماعی را در قالب دگرگونی فرهنگی در چارچوب سمت‌گیری‌های ارزشی که منجر به تفاوت‌های نسلی می‌شود، تعریف می‌نماید. در نتیجه دگرگونی‌های فرهنگی مهم به تفاوت میان نسل‌ها می‌انجامد (عیوضی، ۱۳۹۴).

6. Margaret Mead
1. Ronald Inglehart

مرور ادبیات مطالعات نسلی نشان می‌دهد در خارج از کشور پژوهش‌های زیادی دسته‌بندی‌های متعددی از نسل‌ها ارائه کرده‌اند. مثلاً پس از جنگ جهانی دوم از سه نسل مختلف (نسل ایکس، نسل وای و نسل زد) نام برده شده است. البته این نسل‌ها به نام‌های دیگری نیز دارند. دوره تاریخی این سه نسل به ترتیب برای نسل ایکس (۱۹۸۱-۱۹۶۴)، نسل وای یا هزاره‌ای‌ها (۱۹۹۷-۱۹۸۲) و نسل زد یا اینترنت (۲۰۲۰-۱۹۹۸) است. همچنین قابل ذکر است تقسیم‌بندی زمانی نسل‌ها در منابع غربی یکسان نیست. بنابراین همواره اختلاف در زمان‌بندی این نسل‌ها به چشم می‌خورد. یک تقسیم‌بندی مشابه شامل نسل رونق (۱۹۴۶-۱۹۴۳) تا (۱۹۶۳-۱۹۵۷)؛ نسل ایکس (۱۹۸۲-۱۹۶۴) تا (۱۹۷۵-۱۹۸۲) و نسل وای (۲۰۰۱-۱۹۸۳) است (کوثری، ۱۳۸۷). در کشور ما نیز دسته‌بندی نسل‌های ایرانی توسط پژوهشگران مختلفی انجام شده است. در اغلب این دسته‌بندی‌ها، نسل‌های حاضر در عرصه اجتماع به سه گروه به تفکیک دوره زندگی و ایزه نسلی تقسیم‌بندی شده‌اند (جعفرزاده پور، ۱۳۹۶). یکی از این تقسیم‌بندی‌ها توسط چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) انجام شده است. ایشان ضمن تفکیک سه نسل از نسل چهارمی نیز نام برده و بیان می‌کند نسل چهارم در حال حاضر (سال پژوهش؛ ۱۳۸۶) یا متولد نشده‌اند یا این‌که دوران طفولیت و نوجوانی را می‌گذرانند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶). جدول شماره یک تفکیک چهار نسل مذکور و بازه تولد آن‌ها را نشان می‌دهد و در این پژوهش نیز ملاک خواهد بود.

جدول ۱- تفکیک نسل‌های ایرانی از یکدیگر (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶)

متولدین دهه	معادل سنی	نسل	نسل انقلاب
۱۳۲۹ و کمتر	افراد بالای ۶۸ سال	نسل اول	بنیان‌گذاران
۱۳۳۰-۱۳۴۹	افراد ۴۸ تا ۶۷ ساله	نسل دوم	نسل انقلاب و جنگ
۱۳۵۰-۱۳۶۹	افراد ۲۸ تا ۴۷ ساله	نسل سوم	نسل سوم انقلاب
۱۳۷۰-۱۳۸۹	افراد ۸ تا ۲۷ ساله	نسل چهارم	نسل چهارم انقلاب

ارزش در لغت به معنی بها، ارز، ارج، قدر، شایستگی، زیندگی، قابلیت و استحقاق است (معین، ۱۳۸۷). از دیدگاه جامعه‌شناسی ارزش‌ها عبارت‌اند از احکام و داوری‌هایی که فرد در ترجیح دادن یا ندادن موضوع‌ها و یا اشیاء صادر می‌کند. این داوری در ارزیابی او از این موضوع‌ها یا اشیاء است که در خلال تعامل میان فرد و معرفت‌ها و تجربه‌های او با الگوهای فرهنگی‌ای که در آن زیست می‌کند، کامل می‌شود و از خلال آن این تجربه‌ها و معرفت‌ها کسب می‌شود (سهراب‌زاده، ۱۳۸۸). ارزش‌ها محصولات و پدیده‌های اجتماعی هستند که تولید می‌شوند و به وسیله تعاملات اجتماعی انتقال می‌یابند. نظام ارزشی هر جامعه متفاوت است. به عبارتی ارزش‌ها با تغییر تمدن و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند و از آن بالاتر این‌که حتی ارزش‌های یک جامعه در گروه‌های گوناگون متفاوت

است مثلاً ارزشی را که نوجوانان پذیرفته‌اند، شاید بزرگسالان طرد کنند و یا کمتر قبول داشته باشند. بحث ارزش‌ها و تغییر در نظام ارزشی از مفاهیمی است که در وضعیت جدید که تغییرات پرشتاب بر جامعه حاکم است، خود را متجلی می‌سازد. تغییرات ارزشی که بر اثر وضعیت جدید جامعه به وجود آمده، سبب شده است روان‌شناسان اجتماعی قرن حاضر را دوران «تزلزل ارزش‌ها» بنامند (طولابی و کمریگی، ۱۳۹۲). همان‌گونه که مانهایم نیز معتقد است در لحظه‌های خاص تاریخ گاهی نسل جوان چنان آگاهی دقیقی برای خود تصور می‌کند که به نظر می‌رسد صاحب ایدئولوژی متمایزی است. بنابراین نسل جوان برای فاصله گرفتن از ایدئولوژی مسلط می‌تواند افکار و ارزش‌های تازه‌ای اتخاذ کند و بدین‌وسیله بین نسل‌ها شکاف به وجود آورد. تاکنون دسته‌بندی‌های مختلفی از ارزش‌ها از طرف صاحب‌نظران ارائه شده است، سلسله‌مراتب ارزشی آلپورت^۱ (۱۹۳۱)؛ سلسله‌مراتب ارزشی موریس^۲ (۱۹۵۵)؛ سلسله‌مراتب ارزشی اینگلههارت^۳ (۱۹۶۷)؛ سلسله‌مراتب ارزشی آلن پیرو (۱۹۷۵)؛ سلسله‌مراتب ارزشی روکیچ^۴ (۱۹۷۳)؛ سلسله‌مراتب ارزشی شوارتز^۵ (۲۰۰۱) و سلسله‌مراتب ارزشی راد و ون (۲۰۰۷) از معروف‌ترین دسته‌بندی‌ها هستند (افلاکی فرد و همکاران، ۱۳۹۲). در این‌که آیا ارزش‌ها و باورهای جامعه ما در دهه‌های اخیر دگرگون شده یا خیر عقاید مختلفی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که تحولات اخیر موجب تغییر ارزش‌ها، باورها و سنت‌ها شده است و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که اعتقاد به ارزش‌ها و سنت‌های جامعه با اندکی تغییر مثل گذشته پابرجاست (طولابی و کمریگی، ۱۳۹۲)، اما ربانی معتقد است در سال‌های پس از جنگ شکاف جدیدی را در جنبش‌های جوانان مشاهده می‌کنیم. یعنی ظهور «سفسطه‌گرایی»، «عمل‌گرایی» و «فردگرایی» که جایگزین موفقیت‌های نظامی و مدینه‌های فاضله اجتماعی و همبستگی می‌شوند (ربانی، ۱۳۸۹). در حوزه مطالعات نسلی نیز در تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران بیان می‌کنند بر اساس نتایج حاصل از پژوهش‌های به‌عمل‌آمده پیرامون شکاف نسلی در ایران طی دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ می‌توان گفت که هر چه به سال‌های آخر دهه ۱۳۸۰ نزدیک‌تر شده‌ایم، گسست‌های ارزشی فرهنگی بین نسل جوان و بزرگسالان افزایش یافته است و شکاف نسلی از آن‌رو نگران‌کننده است که با بحران هویت پیوندی وثیق و عمیق یافته است (دانش و همکاران، ۱۳۹۳).

-
1. Allport
 2. Morris
 3. Englehart
 4. Rokeach
 5. Schwartz

برخی از پژوهش‌هایی که می‌تواند به درک تجارب و ارزش‌های ورزشی کمک نماید؛ عبارت‌اند از: فرای و لوری^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش با عنوان تأثیر جو حمایتی بر تجارب ورزشی جوانان نشان دادند ورزشکارانی که جو حمایتی در تیم ادراک می‌کنند به‌طور معناداری لذت بیشتر، نگرش مثبت‌تر، تعهد بیشتر به فوتبال و رفتارهای حمایتی از خود بروز می‌دهند. کلیمز، براش و کولینز^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه تحلیل تجارب ورزش حرفه‌ای نشان دادند کیفیت تعاملات، کیفیت محیط فیزیکی، کیفیت نتیجه، حمایت هواداران، کیفیت خدمات، ارزش، رضایت و قصد رفتاری بر تجارب ورزش حرفه‌ای تأثیرگذار است. شالچی و ضیاچی (۱۳۹۳) در مطالعه تفاوت‌های نسلی در سبک زندگی در بین گروه‌های مختلف سنی شهروندان منطقه یک تهران نشان دادند تفاوت‌های فراوانی در نوع ورزش، چگونگی ورزش و میزان ورزش بین گروه‌های سنی مختلف وجود دارد و میزان رضایت از برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز با تغییر نسل تفاوت می‌کند؛ مثلاً درصد کسانی که اصلاً ورزش نمی‌کنند در میان سالمندان بیش از سایرین بود، همچنین سالمندان بیش از سایرین به‌صورت انفرادی ورزش می‌کردند. بلازو و همکاران (۲۰۱۴) در یک مطالعه کیفی با عنوان بررسی تجربه موفقیت ورزشی برادران و خواهران نشان دادند هر دو تجارب مثبت و منفی نسبت به موفقیت ورزشی اعضای خانواده به وجود می‌آید که این تجارب شامل مواردی نظیر نفوذ خانواده، نفوذ اجتماعی، علاقه، هویت، رها کردن (بی‌خیالی) و حسادت بود. وارنر و دیکسون^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش با عنوان رقابت، جنسیت و تجارب ورزشی در بین ورزشکاران دانشگاهی نشان دادند برنامه‌های ورزشی که همکاری و رقابت را به‌طور متعادل به همراه داشته باشد برای جذب و حفظ هر دو ورزشکاران زن و مرد ارزشمند هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان بیان کرد جامعه‌ی امروزی ایران با نسل‌های متفاوتی روبرو است که تجربه‌های جامعه‌پذیری متفاوتی را داشته‌اند. این نسل‌های متفاوت ارزش‌ها، باورها و سبک زندگی خاص خود را دارند. حتی اگر به وجود شکاف‌های عمیق نسلی در بین نسل‌های ایرانی اعتقاد نداشته باشیم تفاوت‌های گاهاً ظریف و اندک موجود بین نسل‌های مختلف مسئله‌ای است که باید در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات فرهنگی اجتماعی مدنظر قرار گیرد تا موفقیت این سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات تضمین گردد. از آنجایی که ورزش یکی از مظاهر زندگی امروزی محسوب شده و بخشی از برنامه‌های فرهنگی اجتماعی دولت‌ها و نظام‌های حاکم را در برمی‌گیرد، به نظر می‌رسد توجه به تفاوت‌های نسلی در این پدیده امری لازم باشد که در پژوهش‌ها اصلاً به آن توجه نشده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تحلیل وضعیت تفاوت نسل‌های ایرانی در تجارب و ارزش‌های

6. Fry & Lori

7. Clemes, Brush, & Collins

1. Warner & Dixon

ورزشی است. به عبارت ساده‌تر این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است که نسل‌های مختلف ایرانی چه تجربه‌ای از ورزش دارند و چه تفاوت‌هایی در ارزش‌های ورزشی بین آن‌ها وجود دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با رویکرد آمیخته و تلفیقی از روش‌های پدیدارشناسی^۱ و تحلیل مضمون^۲ در مرحله کیفی و روش کمی (توصیفی پیمایشی) با ابزار پرسش‌نامه انجام شد. علت استفاده از روش پدیدارشناسی کسب آگاهی از تجارب افراد در خصوص پدیده ورزش بود. در واقع پدیدارشناسی سعی دارد که به شناخت از پدیده از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده ارج نهد (خاننفر و مسلمی، ۱۳۹۶). هرسول^۳ (۱۹۳۱) پدیدارشناسی را مطالعه‌ی چگونگی تشریح اشیاء توسط انسان‌ها و تجربه آن‌ها از طریق حواس می‌داند. بنیادی‌ترین فرض فلسفی پدیدارشناسی آن است که ما تنها می‌توانیم آن چیزهایی را بدانیم که از طریق حضور در دریافت‌ها و معانی که آگاهی آگاه ما را بیدار می‌کنند، تجربه می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲). در واقع پدیدارشناسی به دنبال آن هست که معنا، ساختار و ماهیت تجربه زیستی پدیده برای شخص یا گروهی از مردم را تعیین کند (پاتون^۴، ۲۰۱۴). همچنین با استفاده از روش تحلیل مضمون متون، تم‌ها و مفاهیم مرتبط با ارزش‌های ورزشی استخراج شد و به‌عنوان پروتکل مصاحبه کیفی با خبرگان استفاده شد، سپس چارچوب ایجادشده از ارزش‌های ورزشی (حاصل تحلیل مضمون و مصاحبه با خبرگان) برای طراحی پرسش‌نامه استفاده شد. در گام بعدی هم‌زمان با اجرای مصاحبه پدیدارشناسی از شهروندان پرسش‌نامه نیز توزیع و جمع‌آوری شد. جزئیات مراحل مختلف اجرای پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- مراحل مختلف اجرای پژوهش

مرحله	هدف	روش	جامعه آماری	تکنیک یا ابزار	نمونه‌گیری	حجم نمونه	روایی- پایایی
۱	شناسایی و احصاء ارزش‌های ورزشی	تحلیل مضمون	متون و ادبیات مرتبط با ارزش	تحلیل مضمون متون	تمام شمار	۱۵ مقاله و بیش از ۲۰ مورد منبع اینترنتی	-
۲	تأیید و	تحلیل	خبرگان و	مصاحبه‌نیمه	هدفمند و	۱۰ نفر	نظرات

2. Phenomenology Method

3. Thematic Analysis

1. Husserl

2. Patton

تکمیل چارچوب ارزش‌های ورزشی	مضمون	اساتید	ساختاریافته	در دسترس	خبیره	متخصصین خبیره
--------------------------------------	-------	--------	-------------	----------	-------	------------------

جدول ۲- مراحل مختلف اجرای پژوهش

مرحله	هدف	روش	جامعه آماری	تکنیک یا ابزار	نمونه‌گیری	حجم نمونه	روایی- پایایی
۳	تحلیل تجارب ورزشی افراد	پدیدارشناسی	کلیه شهروندان تهرانی مشارکت‌کننده در ورزش	مصاحبه عمیق ساختار نیافته	هدفمند و در دسترس	$40 = 10 \times 4$	تأیید با کدگذاری مجدد ۲۰ درصد از مصاحبه‌ها
۴	تحلیل تفاوت‌های ارزشی افراد	روش کمی	کلیه شهروندان تهرانی مشارکت‌کننده در ورزش	پرسش‌نامه مبتنی بر نتایج مرحله دوم	تصادفی طبقه‌ای	۳۸۴ نفر	تأیید روایی محتوایی توسط اساتید مرحله ۲ / پایایی آلفای کرونباخ (۰/۸۳)

با توجه به جدول بالا رویکرد پژوهش هم استقرایی و هم قیاسی و پارادایم‌های حاکم بر آن تفسیری و اثبات‌گرایی بود. همچنین این پژوهش از نظر هدف کاربردی بود. در خصوص حجم نمونه در مراحل سوم و چهارم قابل ذکر است که با توجه به مشارکت چهار نسل از شهروندان در این پژوهش از هر نسل ۱۰ نفر برای انجام مصاحبه‌های پدیدارشناسانه انتخاب شد؛ یعنی مجموعاً ۴۰ شهروند مورد مصاحبه قرار گرفتند. همچنین پرسش‌نامه ارزش‌های ورزشی برای تحلیل تفاوت‌های ارزشی بین نسل‌ها توسط ۳۸۴ نفر از شهروندان چهار نسل تکمیل شد که مطابق جدول شماره ۳ در نهایت ۳۵۹ پرسش‌نامه سالم و قابل تحلیل به‌دست آمد. در این مرحله برای حفظ برابری پرسشنامه‌های تکمیل شده در بین چهار نسل از شهروندان تعداد پرسشنامه‌ها به صورت مساوی بین چهار نسل

توزیع گردید (هر نسل ۹۶ پرسشنامه) تا از هر طبقه تعداد لازم پرسشنامه جمع‌آوری گردد. همچنین توزیع پرسشنامه‌ها به شکلی بود که برای نسل‌های اول و دوم (افراد بالای ۴۸ سال) مراکز ورزش صبحگاهی شهرداری مدنظر قرار گرفت و در پنج مرکز ورزش صبحگاهی از شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران تعداد ۱۹۲ پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری شد. انتخاب این مراکز به صورت تصادفی و بر اساس لیست سازمان ورزش شهرداری تهران بود. برای افراد نسل سوم دو باشگاه ورزشی در مرکز تهران مدنظر قرار گرفت و تعداد ۹۶ پرسشنامه در دو شیفت بانوان و آقایان در دو باشگاه توزیع و جمع‌آوری شد. انتخاب این باشگاه‌ها نیز به شکل تصادفی و بر اساس لیست اداره ورزش و جوانان بوده است. برای افراد نسل چهارم (زیر ۲۷ سال) نیز همان باشگاه‌های قبلی در سانس‌های سنین پایین انتخاب شد و پرسشنامه‌ها بین افراد در بازه سنی مذکور توزیع و جمع‌آوری گردید. همچنین قابل ذکر است از آنجایی که نسل چهارم افراد ۸ تا ۲۷ ساله را در برمی‌گیرد، سعی گردید افراد انتخاب شده در این نسل از سنین ۱۵ به بالا باشند چون به احتمال زیاد در سنین پایین‌تر دیدگاه‌های ارزشی افراد شکل نگرفته است و از ثبات چندانی برخوردار نیست.

جدول ۳- تعداد و ویژگی‌های نمونه آماری

گروه	پرسش‌نامه توزیع شده	پرسش‌نامه برگشتی	پرسش‌نامه سالم	میانگین سنی گروه
نسل اول	۹۶	۸۷	۸۶	۷۰/۳
نسل دوم	۹۶	۹۴	۹۲	۵۵/۶
نسل سوم	۹۶	۹۲	۸۹	۳۷/۲
نسل چهارم	۹۶	۹۵	۹۲	۲۲/۹
مجموع	۳۸۴	۳۶۸	۳۵۹	-

نتایج

در این بخش با توجه به مراحل ارائه شده در جدول شماره ۲ یافته‌ها ارائه می‌گردد. با انجام تحلیل مضمون متون فهرستی شامل بیش از ۴۰ عبارت ارزشی برای ورزش شناسایی گردید. لیست مذکور برای انجام مصاحبه به خبرگان و اساتید ارسال گردید و از آنان دعوت به مصاحبه شد. انتخاب این خبرگان و اساتید برای انجام مصاحبه به صورت هدفمند و بر پایه جستجوی تخصصی آنان بود و افرادی مدنظر قرار گرفتند که در این حوزه کارهای پژوهشی و یا کتاب‌هایی تألیف کرده بودند. ده نفر مورد مصاحبه در این مرحله شامل ۳ نفر جامعه‌شناس با تمرکز بر جامعه‌شناسی ورزشی، ۲ نفر

روان‌شناس ورزشی و ۵ نفر با تخصص مدیریت ورزشی بودند. مجموع مراحل یک و دو چارچوب ارزش‌های ورزشی را به وجود آورد که در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون ادبیات و مصاحبه‌های کیفی با خبرگان

منبع	مصادیق	مضمون فرعی	مضمون اصلی
م	باید به ورزش به‌عنوان یک شغل نگاه کرد.	ورزش به‌عنوان شغل	ارزش‌های منفعت‌طلبانه
م	حضور در محیط‌های ورزشی در درازمدت باعث ایجاد روابط سودآور می‌گردد.	ورزش بستر ایجاد روابط سودآور	
م	با موفقیت در عرصه ورزش آدم می‌تواند بر دیگران کنترل و تسلط داشته باشد.	موفقیت ورزشی ابزار کنترل دیگران	
الف - م	با موفقیت در ورزش منابع زیادی (امکانات، مجوزها و ...) را می‌توان دریافت کرد.	موفقیت ورزشی زمینه‌ساز کسب منابع	
م	همگان باید از فرصت‌های برابر برای شرکت در ورزش بهره ببرند.	برابری اجتماعی	ارزش‌های اجتماعی
الف - م	ورزش باعث سازگاری افراد با سلايق متفاوت با یکدیگر می‌گردد.	نوع دوستی اجتماعی	
م	با شرکت در ورزش تحمل‌پذیری آدم نسبت به تناقضات بیشتر می‌گردد.	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	
الف - م	مشارکت در ورزش باعث تقویت مسئولیت‌پذیری می‌گردد.	فرصت‌های اجتماعی	
م	شرکت در ورزش بهانه‌ای برای یافتن دوستان جدید است.	اعتبار اجتماعی	
الف - م	شناخته شدن به عنوان یک ورزشکار برای آدم اعتبار اجتماعی به ارمغان می‌آورد.		ارزش‌های زیبایی‌شناختی
الف - م	شرکت در ورزش راهی مناسب برای رسیدن به تناسب‌اندام دلخواه است.	ورزش یعنی زیبایی ظاهری	
الف	مشاهده هماهنگی و شکل موزون حرکات ورزشی	ورزش یعنی حرکات	

م	لذت بخش است.	هماهنگ و متوازن	
م	بازی زیبا و تماشاگرپسند مهم تر از نتیجه گرفتن است.	ورزش یعنی لذت‌گرایی	
الف - م	زنان نیز مانند مردان باید فرصت‌های برابر برای شرکت در ورزش داشته باشند.	برابری جنسیتی	
م	جذابیت‌های جنسی زنان ورزشکار مهم تر از مهارت‌های ورزشی آن‌ها است.	جذابیت جنسیتی	ارزش‌های جنسیتی
م	موفقیت یک زن در ورزش جایگاه مرد را در خانواده متزلزل می‌کند.	قدرت جنسیتی	

ادامه جدول ۴- یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون ادبیات و مصاحبه‌های کیفی با خبرگان

مضمون اصلی	مضمون فرعی	مصادیق	منبع
ارزش‌های سلامتی	سلامتی جسمی	همین که ورزش باعث سلامتی انسانی می‌شود، کافی است.	الف - م
	سلامتی روحی	ورزش باعث سلامتی روح و روان می‌شود.	الف - م
ارزش‌های جهانی	توازن انسانی	ورزش باعث هماهنگی روح و جسم انسان و ایجادکننده انسان متوازن است.	الف - م
	صلح جهانی	ورزش ابزاری برای گسترش صلح جهانی است.	الف - م
	درک پذیری	ورزش به درک تفاوت‌های انسانی کمک می‌کند.	م
	نظم جهانی	ورزش باعث توسعه نظم جهانی می‌شود.	الف - م

* (الف: ادبیات، م: مصاحبه)

مطابق جدول شماره ۴ با جمع‌بندی دو مرحله تحلیل مضمون متون و ادبیات و مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان در نهایت ۲۲ عبارت ارزشی برای ورزش تأیید شد. این ۲۲ عبارت در شش محور ارزش‌های منفعت‌طلبانه، اجتماعی، زیبایی‌شناختی، جنسیتی، سلامتی و جهانی دسته‌بندی شدند.

در مرحله سوم برای تحلیل تجارب ورزشی نسل‌های ایرانی مصاحبه‌های پدیدارشناسانه انجام گرفت. در این مرحله ۴۰ نفر از شهروندان تهرانی از چهار نسل مختلف بر اساس سال‌های تولد مورد مصاحبه عمیق و بدون ساختار قرار گرفتند. مصاحبه با یک سؤال کلی در خصوص تجربه روزانه آنان درباره ورزش شروع شد و سپس با سؤالات اکتشافی اطلاعات عمیق‌تری از افراد دریافت گردید. هدف مصاحبه‌های پدیدارشناسانه دستیابی به اعماق تجربه زیستی فرد از برخی حوزه‌های خاص و اصلی تجربیات او است. بخش گسترده‌ای از سمت‌وسوی گفتگو توسط فرد پاسخگو تعیین می‌شود. به جزء پرسش اول مصاحبه‌کننده هیچ پرسش از پیش تعیین شده و یا ارجحی با توجه به حوزه و

عنوان پژوهش ندارد (تامپسون^۱، ۱۹۹۶). همچنین مصاحبه‌کننده قصد ندارد تا قدرتمندتر و یا با دانش بیشتر در نظر گرفته شود. زیرا فرد پاسخگو اساساً در زمینه تجربه شخصی خود متخصص و خبره است. داده‌های حاصل از مصاحبه با رویکرد هفت مرحله‌ای کلایزی^۲ (۱۹۷۸) مورد تحلیل واقع شد. این هفت مرحله شامل "چندین بار به دقت خواندن متن و دریافت درکی کلی از آن، مشخص کردن صحبت‌های مهم، نوشتن معانی استخراج شده، دسته بندی خوشه مضامین، نوشتن شرح جامع، نوشتن ساختار پدیده و چک کردن نتایج با شرکت‌کنندگان" است (کلایزی، ۱۹۷۸). بر اساس این توضیحات زمانی که داده‌ها مورد تحلیل واقع شد، مضمون‌هایی برای کل مصاحبه‌ها پدیدار گشت. همچنین برخی مضامین در گروه‌های نسلی خاصی پر رنگ‌تر بودند به عبارت ساده‌تر مضمون موردنظر در تجارب زیسته شهروندان نسلی خاص برجسته‌تر بود. نتایج در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵- مفاهیم ظهور یافته پیرامون تجربه ورزش نسل‌های مختلف ایرانی

گروه نسلی غالب به ترتیب اهمیت ظهور	برخی از مصادیق	کدهای نهایی	طبقات مفهومی	درون‌مایه
چهارم، سوم، دوم، اول	همین‌که هنگام ورزش حرکتی را به شکل درست انجام می‌دهم، برایم لذت‌بخش است. حتی دردی که پس از تمرین اتفاق می‌افتد، سرخوشی و لذت خاص خود را دارد.	لذت جسمی لذت حسی درد تمرین	لذت	
دوم، سوم، چهارم، اول	ورزش باعث می‌شود که همیشه در وزن مناسب باشم و تناسب بین اندام‌های مختلفم را حفظ نمایم.	ثبات وزن خوش استایل بودن	تناسب‌اندام	فیزیک برتر
چهارم، دوم، سوم، اول	ورزش کردن باعث می‌شود خودم را زیباتر و جذاب‌تر حس نمایم و موردتوجه سایرین قرار بگیرم.	جذابیت جنسی احساس زیبایی		

1. Thompson
2. Colaizzi

عضلات سفت	عضلات قوی و خوش فرم باعث می‌شود که بدون هیچ مشکلی کارهای روزانه خود را انجام دهم.	سوم، چهارم، دوم، اول، اول، دوم، سوم، چهارم
تندرستی		
فیزیکی		

ادامه جدول ۵- مفاهیم ظهور یافته پیرامون تجربه ورزش نسل‌های مختلف ایرانی

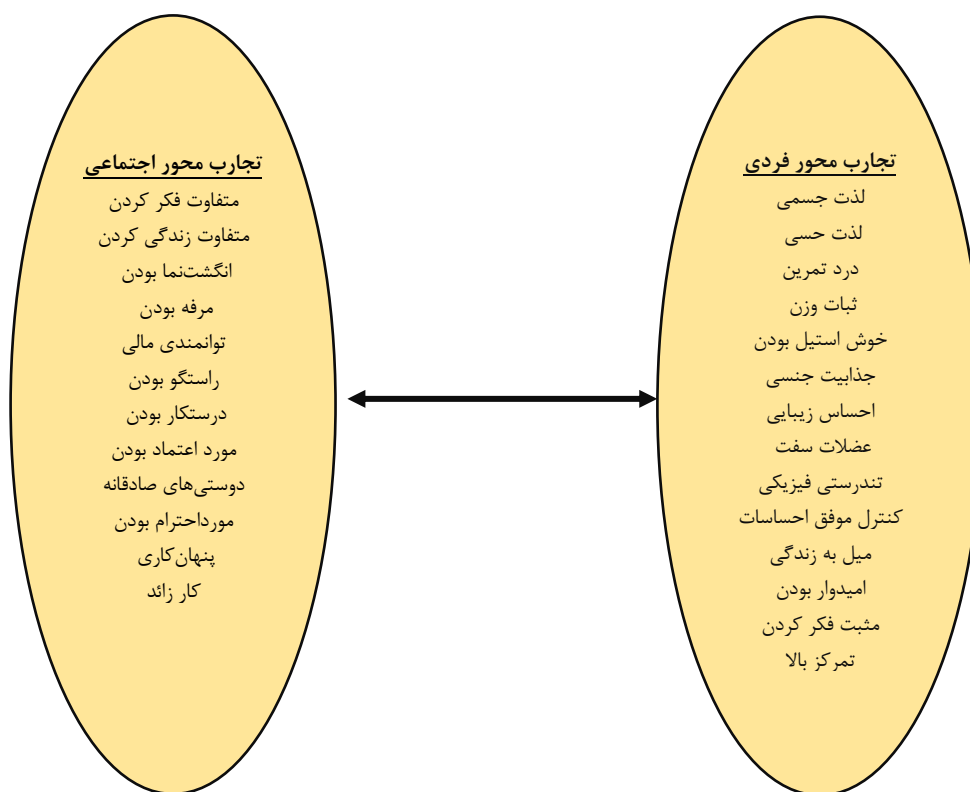
درون مایه	طبقات مفهومی	کدهای نهایی	برخی از مصادیق	گروه نسلی غالب به ترتیب اهمیت ظهور
روان برتر	کنترل موفق احساسات	تعامل با افراد مختلف در ورزش و بالا و پایین شدن با آنان باعث شده که به راحتی در موقعیت‌های دشوار احساسات خود را کنترل کنم.	چهارم، سوم، دوم، اول	
	سلامتی فکری	میل به زندگی امیدوار بودن	شاید بتوانم بگویم مهم‌ترین اثر ورزش در زندگی من سرزنده بودن و علاقه به ادامه زندگی است. همیشه به آینده امیدوارم و به امورات پیرامونم مثبت فکر می‌کنم.	اول، دوم، سوم، چهارم
	مثبت فکر کردن	تمرکز بالا	ورزش باعث شده که حتی در سایر کارهایم تمرکز بالایی داشته باشم.	اول، دوم، سوم، چهارم
تمایز	تمایز فکری	متفاوت فکر کردن	خیلی از افراد زمانی که من در حال ورزش کردن می‌بینند، حس می‌کنم این تصور را دارند که متفاوت‌تر از آنان فکر کرده و زندگی می‌کنم.	بدون اولویت
	تمایز سبک زندگی	متفاوت زندگی کردن	در زمان‌های قبل این‌طور نبود که همه به راحتی ورزش نمایند و کسی که ورزش می‌کرد مخصوصاً در شهرهای کوچک به نوعی انگشت‌نما بود.	بدون اولویت
	انگشت‌نما بودن	انگشت‌نما بودن		اول، دوم، سوم، چهارم

بدون اولویت	ورزش کردن هزینه‌بر است و باید بتوانی هزینه‌های آن را تأمین کنی، البته مهم‌تر از پول داشتن اعتقاد به زندگی مرفه کردن است و الا	مرفه بودن	تمایز مالی
بدون اولویت	خیلی از افراد ممکن است پول داشته باشند اما تمایلی به خرج کردن در ورزش نداشته باشند.	توانمندی مالی	

ادامهٔ جدول ۵- مفاهیم ظهور یافته پیرامون تجربه ورزش نسل‌های مختلف ایرانی

گروه نسلی غالب به ترتیب اهمیت ظهور	برخی از مصادیق	کدهای نهایی	طبقات مفهومی	درون‌مایه
بدون اولویت	مردم وقتی شما رو به عنوان یک ورزشکار می‌شناسند، حرف شما را قبول می‌کنند، چون حس می‌کنند راست‌گو هستید، درستکار هستید و بهتون اعتماد می‌کنند.	راستگو بودن	صادق بودن	جایگاه اجتماعی برتر
بدون اولویت	ورزش چیزی هست که آدم بر اساس علاقه‌اش در آن شرکت می‌کند و اگر از کسی خوشش نیاید می‌تواند تیم خود، باشگاه خود و یا محل تمرین خود را عوض کند بنابراین دوستی شکل‌گرفته در ورزش صادقانه و پایدارترند و آدم مورداحترام دوستانش هست چون اجباری به دوستی با آن‌ها وجود ندارد.	درستکار بودن	جوانمردی	
چهارم، دوم، سوم، اول	مورد اعتماد بودن	دوستی‌های صادقانه	روابط اجتماعی پایدار	تجارب منفی
اول، سوم، دوم، چهارم	زمان ما همه خانواده‌ها به‌راحتی با ورزش کنار نمی‌آمدند و بودند کسانی که ورزش کردن خود را از خانواده مخصوصاً پدر پنهان می‌کردند. ورزش تو جامعه ما هنوز هم هست از نظر خیلی‌ها کار زائدی است، این وضعیت قبلاً بدتر بود.	مورداحترام بودن	مخفی‌کاری	
اول، دوم، سوم، چهارم		پنهان‌کاری	کار بی‌ثمر	
اول، دوم، سوم، چهارم		کار زائد		

همچنین مفاهیم مرتبط با تجربه ورزش شهروندان ایرانی از نقطه نظر دیگری قابل تحلیل بود. با دقت در مفاهیم ظهور یافته و بازبینی دوباره داده‌های جمع‌آوری شده مشخص می‌گردد که برخی از تجارب ورزش شهروندان در تعامل با سایرین و به عبارتی در روابط اجتماعی احساس می‌شود در نقطه مقابل تعدادی از مفاهیم تجربه شده نیز مستقل از سایرین بوده و ماهیت فردی دارد. بر این اساس در شکل شماره یک مفاهیم ظهور یافته حول این دو محور طبقه‌بندی شدند.



شکل ۱- تجارب متجلی شده فردی و اجتماعی

مطابق شکل فوق و جدول شماره پنج مشخص می‌گردد از پنج درون‌مایه ظهور یافته در پژوهش، درون‌مایه‌های فیزیک برتر و روان برتر تجاربی فردی هستند و سه درون‌مایه تمایز، جایگاه اجتماعی برتر و تجارب منفی درون‌مایه‌هایی با مضمون اجتماعی هستند. البته قابل ذکر است که تجارب فردی و اجتماعی منتج از ورزش کاملاً جدای از هم نبود و با هم شکل گرفته‌اند و بر هم تأثیرگذار هستند. مثلاً می‌توان این‌طور استنباط نمود مجموع ویژگی‌های فیزیک برتر و روان برتر می‌تواند تقویت‌کننده تمایز بوده و حتی جایگاه اجتماعی برتر را به ارمغان بیاورد. همچنین از پنج درون‌مایه ایجاد شده تنها تجارب منفی جنبه سوء داشته و باقی موارد تجارب مثبت ورزش از دیدگاه شهروندان بودند.

۳۵۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده در گام آخر با آزمون F مورد تحلیل واقع شد. البته قبل از اجرای این آزمون چگونگی توزیع داده‌ها توسط آزمون کلموگروف - اسمیرنوف مورد تأیید واقع شد. جدول شماره ۶ نتایج آزمون F را نشان می‌دهد.

جدول ۶- نتایج آزمون F برای تحلیل تفاوت‌های نسلی

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	معناداری
ارزش‌های منفعت‌طلبانه	نسل اول	۸۶	۳/۱۳	۰/۵۲	۷/۹۳۲	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۳/۲۳	۰/۵۳		
	نسل سوم	۸۹	۳/۹۶	۰/۵۵		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۱۹	۰/۶۳		
ارزش‌های اجتماعی	نسل اول	۸۶	۳/۶۷	۰/۶۹	۱/۲۴۵	۰/۶۰۵
	نسل دوم	۹۲	۳/۶۸	۰/۶۱		
	نسل سوم	۸۹	۳/۵۴	۰/۷۲		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۸۷	۰/۶۸		
ارزش‌های زیبایی‌شناختی	نسل اول	۸۶	۳/۰۳	۰/۷۵	۸/۷۱۲	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۳/۱۳	۰/۵۴		
	نسل سوم	۸۹	۳/۹۳	۰/۵۶		
	نسل چهارم	۹۲	۴/۰۷	۰/۶۷		
ارزش‌های جنسیتی	نسل اول	۸۶	۳/۰۹	۰/۷۵	۱۰/۱۲۳	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۳/۱۸	۰/۷۰		
	نسل سوم	۸۹	۳/۸۹	۰/۶۶		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۹۳	۰/۶۸		
ارزش‌های سلامتی	نسل اول	۸۶	۴/۲۳	۰/۵۷	۶/۶۴۵	۰/۰۰۰
	نسل دوم	۹۲	۴/۱۲	۰/۶۳		
	نسل سوم	۸۹	۳/۶۵	۰/۶۴		
	نسل چهارم	۹۲	۳/۵۵	۰/۷۱		

		۰/۸۱	۳/۱۲	۸۶	نسل اول	ارزش‌های جهانی
		۰/۸۷	۳/۱۰	۹۲	نسل دوم	
۰/۵۲۱	۱/۱۴۳	۰/۷۴	۳/۲۸	۸۹	نسل سوم	
		۰/۷۱	۳/۰۹	۹۲	نسل چهارم	

مطابق جدول شماره ۶ در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی بین نسل‌های چهارگانه ایرانی تفاوت آماری معنادار وجود دارد ($P < 0.05$). در حالی که در ارزش‌های اجتماعی و جهانی بین چهار نسل مورد نظر تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد ($P \geq 0.05$). در ادامه با توجه به معنادار بودن تفاوت در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی بین نسل‌های چهارگانه ایرانی از آزمون تعقیبی توکی^۱ برای مشخص نمودن کیفیت تفاوت بین نسل‌ها استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول ۷- نتایج آزمون تعقیبی توکی

متغیرها	گروه‌ها	اختلاف میانگین	سطح معناداری
ارزش‌های منفعت‌طلبانه	نسل اول	نسل دوم	۰/۶۳۷
	نسل دوم	نسل سوم	۰/۰۰۰
		نسل چهارم	۰/۸۹۶
	نسل سوم	نسل سوم	۰/۰۰۰
		نسل چهارم	۰/۹۶۱
	نسل سوم	نسل چهارم	۰/۰۰۰
ارزش‌های زیبایی‌شناختی	نسل اول	نسل دوم	۰/۷۳۵
	نسل دوم	نسل سوم	۰/۰۰۰
		نسل چهارم	۱/۰۴
	نسل سوم	نسل سوم	۰/۰۰۰
		نسل چهارم	۰/۰۰۰
	نسل سوم	نسل چهارم	۰/۴۳۴
ارزش‌های جنسیتی	نسل اول	نسل دوم	۰/۸۳۲
	نسل دوم	نسل سوم	۰/۰۰۰
		نسل چهارم	۰/۰۰۰
	نسل سوم	نسل سوم	۰/۰۰۰
		نسل چهارم	۰/۰۰۰
	نسل سوم	نسل چهارم	۰/۹۸۲

1. Tukey

۰/۶۶۳	۰/۱۱	نسل دوم		
۰/۰۰۰	۰/۵۸	نسل سوم	نسل اول	
۰/۰۰۰	۰/۶۸	نسل چهارم		ارزش‌های سلامتی
۰/۰۰۰	۰/۴۷	نسل سوم	نسل دوم	
۰/۰۰۰	۰/۵۷	نسل چهارم		
۰/۷۲۱	۰/۱۰	نسل چهارم	نسل سوم	

مطابق جدول شماره ۷ و با توجه به سطوح معناداری آزمون در ارزش‌های منفعت‌طلبانه مقایسه‌های چندگانه نشان داد بین نسل‌های اول و دوم، اول و چهارم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های سوم و اول، سوم و دوم و سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). مقایسه‌های چندگانه در ارزش‌های زیبایی‌شناختی نشان داد بین نسل‌های اول و دوم و نسل‌های سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های اول و سوم، اول و چهارم، دوم و سوم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). مقایسه‌های چندگانه در ارزش‌های جنسیتی نشان داد بین نسل‌های اول و دوم و نسل‌های سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های اول و سوم، اول و چهارم، دوم و سوم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). درنهایت مقایسه‌های چندگانه در ارزش‌های سلامتی نشان داد بین نسل‌های اول و دوم و نسل‌های سوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود ندارد ($P \geq 0.05$). درحالی‌که بین نسل‌های اول و سوم، اول و چهارم، دوم و سوم و دوم و چهارم تفاوت آماری معناداری وجود داشت ($P < 0.05$). همچنین توجه به مقادیر میانگین مؤید این بود که میانگین ارزش‌های منفعت‌طلبانه در نسل سوم بالاتر از نسل‌های دیگر است. در ارزش‌های زیبایی‌شناختی میانگین نسل‌های سوم و چهارم بالاتر از نسل‌های اول و دوم است. در ارزش‌های جنسیتی نیز میانگین نسل‌های سوم و چهارم بالاتر از نسل‌های اول و دوم است. درنهایت در ارزش‌های سلامتی میانگین نسل‌های اول و دوم بالاتر از نسل‌های سوم و چهارم بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تحلیل وضعیت تفاوت نسل‌های ایرانی در تجارب و ارزش‌های ورزشی بود. منظور از تجارب ورزشی یعنی این که شهروندان نسل‌های مختلف ایرانی از مشارکت در ورزش چه تجربیاتی را حس می‌کنند. منظور از ارزش‌های ورزشی پدیده‌های ارزشمندی است که در بستر ورزش به وجود می‌آید. در این راستا تحلیل این تفاوت‌ها در بین نسل‌های ایرانی از این منظر مدنظر

قرار گرفت که همواره تغییرات ارزشی در بین نسل‌های مختلف جوامع رخ می‌دهد. در این پژوهش با یک رویکرد آمیخته از مجموع روش‌ها و ابزارهای مختلفی برای تحلیل تفاوت‌ها بهره‌گرفته شد. بر اساس مهم‌ترین یافته‌ها در بستر ورزش شش دسته از ارزش‌های منفعت‌طلبانه، اجتماعی، زیبایی‌شناختی، جنسیتی، سلامتی و جهانی شکل‌گرفت. به عبارت ساده‌تر ورزش به عنوان یک پدیده این ارزش‌های یادشده را با خود حمل می‌کند. تحلیل وضعیت تفاوت ارزش‌های ورزشی نشان داد بین نسل‌های چهارگانه ایرانی در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی تفاوت آماری معنادار وجود دارد اما در ارزش‌های اجتماعی و جهانی بین چهار نسل مورد نظر تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد. همچنین کیفیت تفاوت در ارزش‌های منفعت‌طلبانه، زیبایی‌شناختی، جنسیتی و سلامتی عمدتاً به نحوی بود که نسل‌های اول و دوم با هم و نسل‌های سوم و چهارم نیز با یکدیگر مشابهت بیشتری داشتند. این تفاوت ارزشی بین نسل‌ها از آنجایی ناشی می‌شود که ارزش‌های هر نسل الگوهایی هستند که بر اساس تعامل افراد آن نسل با یکدیگر و بر اساس نیازهای هر نسل شکل می‌گیرد؛ یعنی افراد برای موارد و پدیده‌هایی که بدان احساس نیاز پیدا می‌کنند ارزش قائل‌اند و بر اساس تفاوت نیازها ممکن است پدیده‌ای در بین جوانان ارزش محسوب گردد در حالی که در بین سالمندان ارزش محسوب نگردد یا از اهمیت کمتری برخوردار باشد.

مطابق نتایج در ارزش‌های منفعت‌طلبانه شهروندان نسل سوم (افراد ۲۸ تا ۴۷ ساله) وضعیت بالاتری از نسل‌های اول (افراد بالای ۶۸ سال)، دوم (افراد ۴۸ تا ۶۷ ساله) و حتی چهارم (افراد ۸ تا ۲۷ ساله) داشتند. در تفسیر این تفاوت می‌توان به نیازمندی‌های افراد در سنین ۲۸ تا ۴۷ اشاره کرد افراد در این سن بیشتر از سایر سنین به منابع مالی جهت شروع زندگی و یا استقلال مالی نیاز دارند و در وضعیت فعلی جامعه ما از منظر مشکلات اقتصادی افراد به ورزش نیز از این دیدگاه می‌نگرند که این پدیده بتواند روابط سودآوری برای آنان به دنبال داشته باشد یا بتواند از طریق ورزش منابعی را کسب کنند درحالی‌که در سه نسل دیگر یا شرایط اقتصادی افراد (نسل اول و دوم) نسبتاً باثبات است یا اینکه افراد از نظر اقتصادی به سایرین (والدین) وابسته‌اند (نسل چهارم).

در دسته ارزش‌های زیبایی‌شناختی وضعیت نسل‌های سوم (افراد ۲۸ تا ۴۷ ساله) و چهارم (افراد ۸ تا ۲۷ ساله) بالاتر از نسل‌های اول و دوم بود که این تفاوت به نفع نسل‌های سوم و چهارم را می‌توان به شرایط و نیازهای دوره نوجوانی و جوانی نسبت داد. در واقع افراد در سنین نوجوانی و جوانی بیش از سایر سنین به زیبایی و تناسب‌اندام اهمیت می‌دهند و بدیهی است که در فعالیت‌های ورزشی نیز به دنبال این ارزش باشند. در مقابل نسل‌های اول و دوم برای سایر جنبه‌های فعالیت بدنی و ورزش اهمیت قائل‌اند که این تفاوت نیز در دسته ارزش‌های سلامتی نشان داده شد. در ارزش‌های سلامتی وضعیت نسل‌های اول و دوم بالاتر از نسل‌های سوم و چهارم بود. همان‌گونه که

می‌دانیم با افزایش سن و گسترش کم‌حرکی در افراد مشکلات سلامتی به‌ویژه در بعد جسمی بروز می‌کند که این مشکلات به ابعاد دیگر از جمله سلامتی روحی و روانی نیز تسری می‌یابد بنابراین نسل‌های با سن بالاتر در فعالیتهای ورزشی به دنبال ایجاد ارزش‌هایی هستند که نیازهای سلامتی آنان را رفع نماید اما برای نسل‌های جوان‌تر تناسب‌اندام و زیبایی از جنبه ظاهری مهم‌تر جلوه می‌کند. البته این بدان معنی نیست که ارزش‌های سلامتی برای نسل‌های جوان‌تر اهمیت ندارد بلکه منظور این است که با توجه به مشکلات عدیده که با افزایش سن پیرامون سلامت افراد به وجود می‌آید، حفظ سلامتی برای سالمندان اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. در این زمینه مطالعات مختلف بر سلامت به‌عنوان یک پیامد مهم ورزش تأکید کرده‌اند. ورزش با ایجاد شور و نشاط و تشویق افراد به انجام فعالیتهای سالم در محیط‌های سالم می‌تواند عاملی اثرگذار در ابعاد مختلف سلامت در نظر گرفته شود. در واقع ورزش شرایطی را فراهم می‌کند که افراد با درگیر شدن در فعالیتی که به سود آنها و جامعه است، احساس خوب بودن و سلامت عمومی (ابین و برادزینسکی^۱، ۲۰۰۸) و کسب سلامتی و آمادگی جسمانی (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰) را تجربه می‌کنند.

در مقوله ارزش‌های جنسیتی نیز وضعیت تفاوت همانند ارزش‌های زیبایی‌شناختی به نفع نسل‌های سوم و چهارم بود. ارزش‌های جنسیتی مبین عقاید و نظرانی است که روزه‌روز اهمیت نقش و جایگاه زنان را در جامعه بالا برده و برای آنان جایگاه و شرایط مشابه مردان ایجاد می‌کند، بدیهی است که در جامعه ایرانی نیز همگام با دنیا روزه‌روز نظرات و عقاید افراد نسبت به فعالیتهای زنان بازتر می‌گردد و شرایط برای فعالیتهای زنان از جمله فعالیتهای ورزشی مساعدتر می‌گردد. امروزه دیگر فعالیتهای زنان در عرصه‌های اجتماعی امری پذیرفته‌شده است و نسل‌های جوان‌تر در این ارزش‌ها وضعیت بالاتری به خود اختصاص داده‌اند.

برای تحلیل تفاوت‌های نسل‌های مختلف ایرانی در تجارب ورزشی نیز یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های پدیدارشناسانه نشان داد، در حالت کلی نسل‌های مختلف ایرانی دو دسته از تجارب ورزشی را حس می‌کنند که عبارتند از تجارب فرد محور و تجارب اجتماع‌محور. به‌عبارت دیگر برخی از تجربه‌های حاصل از ورزش که عمدتاً تجارب محور فیزیکی و روانی بود به صورت فردی احساس می‌شود. در نقطه مقابل برخی از تجارب حس شده حاصل بازخوردهایی است که افراد از اجتماع می‌گیرند. ۲۶ تجربه شناخته‌شده در این پژوهش در پنج درون‌مایه شامل فیزیک برتر، روان برتر، تمایز، جایگاه اجتماعی برتر و تجارب منفی دسته بندی شدند که دو درون‌مایه فیزیک و روان برتر تجارب فردی و سه مورد باقیمانده درون‌مایه‌های اجتماعی بودند.

در درون‌مایه فیزیک برتر دو طبقه مفهومی لذت و تناسب‌اندام وجود داشتند. لذت شامل لذت جسمی، حسی و درد تمرین بود که در لذت جسمی و درد تمرین شهروندان نسل چهارم (افراد ۸ تا ۲۷ ساله) اول بودند و شهروندان نسل اول (افراد بالای ۶۸ سال) آخر بودند. این امر نشان می‌دهد افراد سالمند دنبال لذت جسمی که احتمالاً توأم با درد تمرین است، نیستند و افراد نوجوان و جوان به دنبال لذت‌های جسمی هستند که حتی با درد تمرینی نیز قابل‌دستیابی است. در نقطه مقابل در لذت حسی نسل‌های دوم و اول نسبت به نسل‌های سوم و چهارم در اولویت بودند. این تفاوت‌ها می‌تواند در هرگونه برنامه‌ریزی‌های تمرینی و تعیین نوع تمرینات ورزشی برای نسل‌های مختلف مدنظر قرار گیرد. در طبقه مفهومی تناسب‌اندام نیز تجارب ثبات وزن، خوش استایل بودن، جذابیت جنسی، احساس زیبایی، عضلات سفت و تندرستی فیزیکی را مشاهده می‌کنیم که اعضای نسل چهارم در خوش استایل بودن، جذابیت جنسی، احساس زیبایی و عضلات سفت اول بودند. در ثبات وزن نسل دومی‌ها (افراد ۴۸ تا ۶۷ ساله) در ابتدا بودند که این امر به احتمال زیاد به شیوه و سبک زندگی آنان برمی‌گردد چون در این سنین عمدتاً افراد دچار اضافه وزن می‌گردند که آن هم دلایل خاص خود را دارد. عضلات سفت نیز برای نسل سومی‌ها و چهارمی‌ها مهم‌تر بود. در تجربه تندرستی فیزیکی نیز افراد نسل اول یعنی سالمندان جایگاه اول را داشتند که مؤید انتظارات آنها از ورزش است.

درون‌مایه روان برتر شامل دو طبقه مفهومی سلامتی فکری و تمرکز بالا بود. سلامتی فکری دربرگیرنده تجارب کنترل موفق احساسات، میل به زندگی، امیدوار بودن و مثبت فکر کردن بود. میل به زندگی، امیدوار بودن و مثبت فکر کردن برای نسل اولی‌ها مهم‌تر از بقیه نسل‌ها بود که نشان می‌دهد افراد در سنین سالمندی دنبال تجاربی هستند که آنها را به ادامه زندگی تشویق نماید. کنترل موفق احساسات و تمرکز بالا نیز برای نسل چهارمی‌ها اهمیت بیشتری داشت. به عبارتی ورزش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کمک به نوجوانان و جوانان در این عرصه‌ها در نظر گرفته شود و زمینه‌های روانی موفقیت آنان را تضمین نماید. می‌توان استنباط نمود کنترل موفق احساسات یکی از نشانه‌های استقلال و ثبات شخصیت است که در اثر ورزش تقویت می‌گردد و طبیعتاً این امر برای افراد در سنین جوانی اهمیت بیشتری دارد. در این زمینه سندفورد^۱ و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند شرکت در ورزش می‌تواند شخصیت اجتماعی مثبت را شکل دهد و از آن جایی که مشارکت ورزشی می‌تواند شخصیت مثبت را به‌وجود آورد، دارای اهمیت فراوان است و می‌تواند نیاز جوانان به درک ارزش‌های شخصی، تعادل احساسی، حل مسئله شخصی و خانوادگی و

1. Sandford

حل مسئله اجتماعی را برآورده کند. همه این متغیرهای مثبت در نهایت تضمین‌کننده روان برتر خواهد بود که در این پژوهش شناسایی شد.

درون‌مایه تمایز شامل طبقات فرعی تمایز فکری، تمایز سبک زندگی، انگشت‌نما بودن و تمایز مالی (مرفه بودن، توانمندی مالی) بود که به جزء تجربه انگشت‌نما بودن سایر تجارب اولویت خاصی بین نسل‌های چهارگانه نداشت. این امر نشانگر آن است که ورزش و ورزشی بودن در کشور ما از قدیم‌الایام نمایانگر تمایز خاصی برای انجام‌دهندگان آن بوده است و افرادی که ورزش می‌کردند به نوعی خود و سبک زندگی خود را متفاوت‌تر از سایرین نشان می‌دادند. این تمایز جنبه‌های مختلفی داشت و از تمایز مالی تا فکری را شامل می‌شد. این تمایز همچنان نیز برای افرادی که ورزش می‌کنند وجود دارد اما شاید بتوان گفت امروزه دیگر کسب تمایز از طریق ورزش به‌سادگی ممکن نباشد و برای کسب تمایز باید به جنبه‌های خاصی از ورزش مثلاً رشته‌های جدیدتر روی آورد. اما تجربه انگشت‌نما بودن که بیشتر به‌ظاهر امر برمی‌گردد و برای نسل‌های اول و دوم اهمیت آن بیشتر از نسل‌های سوم و چهارم بود مؤید این مطلب است که ورزش کردن در زمان‌های گذشته پدیده‌ای بیشتر غیرعادی بوده است و افرادی که ورزش می‌کردند بیشتر جلب‌توجه می‌نمودند که حتی این نوع نگاه متفاوت به آنان الزاماً نگاه مثبتی نبوده است و اگر فردی برخلاف میل خانواده خود اقدام به ورزش می‌کرد حتی ممکن بود به‌عنوان فردی نافرمان تلقی گردد. این نگاه نوعی دید منفی بوده است و قابلیت انتقال به درون‌مایه تجارب منفی را دارد. اما امروزه دیگر ورزش کردن امری غیرعادی تلقی نمی‌گردد و همه افراد در هر سنی و با هر وضعیت اجتماعی اقتصادی ورزش می‌کنند. اما همان‌گونه که اشاره شد ورزش هنوز هم ایجادکننده تمایز است. در این زمینه اشاره به نظریات بوردیو^۱ (۱۹۸۴) می‌تواند برای درک موضوع تمایز جالب باشد، بوردیو (۱۹۸۴) معتقد است تمایزات اجتماعی را می‌توان در مجموعه متنوعی از اعمال اجتماعی مشاهده کرد از جمله اعمالی که به‌طور سنتی مربوط به فراغت می‌شوند مثل تعطیلات، ورزش، مطالعه، موسیقی، سینما و هر آنچه به اوقات فراغت مربوط می‌شود. بنابراین همان‌گونه که بوردیو معتقد است ورزش یکی از مظاهر ایجادکننده تمایز برای شهروندان است که همه نسل‌ها تمایز ایجاد شده به‌وسیله ورزش را تجربه می‌کنند. اما همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد شاید دیگر امروزه با صرف ورزش کردن نتوان تمایز خاصی را تجربه کرد و شاید باید در عرصه ورزش نیز سراغ پدیده‌های جدیدتری (مثلاً رشته‌های ورزشی جدید و متفاوت) رفت. قدرت تمایزدهی متفاوت رشته‌ها یا فعالیت‌های مختلف ورزشی را بوردیو نیز در مطالعه خود نشان داده بود. از نظر بوردیو (۱۹۸۴) در جامعه‌ای مانند فرانسه در میدان قدرت، با عملکردها و سبک‌های زندگی‌ای سروکار داریم که سرگرمی‌های موردعلاقه آن‌ها، اسکی روی آب،

1. Bourdieu

تنیس، اسب‌سواری، شطرنج، گلف و نواختن یا گوش سپردن به پیانو است؛ درحالی‌که در طیف مقابل با فوتبال، ماهی‌گیری و نواختن یا شنیدن دیگر انواع موسیقی سروکار داریم.

درون‌مایه جایگاه اجتماعی برتر شامل طبقات فرعی صادق بودن، جوانمردی و روابط اجتماعی پایدار (دوستی‌های صادقانه و مورداحترام بودن) بود و مؤید تجارب مثبت حاصل از شرکت در فعالیت‌های ورزشی است. در تجارب صادق بودن، جوانمردی و مورد اعتماد بودن تفاوت محسوسی در تجارب نسل‌های مختلف مشاهده نشد و می‌توان گفت که در همه زمان‌ها ورزش پتانسیل زیادی برای ایجاد این تجارب مثبت دارد. اما در تجربه دوستی‌های صادقانه نسل چهارمی‌ها در اولویت بودند. می‌توان گفت برقراری و حفظ دوستی‌های موفق بر پایه صداقت در شرایط امروزی جامعه ما اهمیت زیادی دارد و ورزش به‌عنوان یک پدیده مثبت توانایی ایجاد چنین فضایی را برای مشارکت‌کنندگان دارد اما تجربه مورد احترام بودن در نسل اولی‌ها اهمیت بیشتری داشت و نشان می‌دهد با گذشت سن و وارد شدن به دوران سالمندی افراد احساس نیاز بیشتری به مورداحترام واقع شدن دارند. در واقع در دوران سالمندی افراد جایگاه شغلی خود را از دست می‌دهند و ممکن است منزلت شغلی خود را نیز از دست داده باشند و حتی ممکن است از طرف اعضای خانواده به خانه‌های سالمندان سپرده شده باشند. از دیگر ویژگی‌های دوران سالمندی این است که افراد حتی ممکن است دوستان صمیمی خود را نیز از دست بدهند در چنین شرایطی تجربه مورد احترام واقع شدن برای آنان اهمیت خیلی زیادی پیدا می‌کند. احساس تنهایی تجربه غالبی است که در دوران سالمندی سراغ افراد می‌آید و بر سایر جنبه‌های زندگی آنان نیز اثر می‌گذارد. در این زمینه اشاره به نتایج یک پژوهش پدیدارشناسانه جالب است. هروی کریموی و همکاران (۱۳۸۶) در تبیین دیدگاه سالمندان نسبت به‌تنهایی نشان دادند افراد سالمند درد، رنج، فقدان و محرومیت را در این دوران تجربه می‌کنند. لذا می‌توان استنباط کرد مورداحترام واقع شدن مقوله‌ای مهم برای نسل اولی‌ها است و ورزش باید بتواند این حس تجربه مثبت را در آنان ایجاد کند و به نوعی تنهایی آنان را تعدیل نماید.

آخرین درون‌مایه ظهور یافته تجارب منفی بود که شامل دو طبقه فرعی مخفی‌کاری و کار بی‌ثمر یا زائد بود. این درون‌مایه نشان‌دهنده تجارب منفی است که عمدتاً بازخوردی بوده و در تعامل با دیگران به وجود می‌آید و حتی ممکن است ادامه فعالیت ورزشی فرد را تحت تأثیر خود قرار داده و آن را از ورزش بازدارد. هر دو تجربه منفی اهمیت بیشتری در نسل‌های اول و دوم نسبت به نسل‌های سوم و چهارم داشتند و همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد (در توضیح تجربه انگشت‌نما بودن) ورزش در زمان‌های گذشته بیشتر امری غیرعادی تلقی می‌شد، اما در حال حاضر یک موضوع پذیرفته‌شده برای همگان است. در گذشته به ویژه اگر در خانواده‌ای با طبقه اجتماعی مالی پایین‌تر یا شغل سخت پدر فرزندی به ورزش روی می‌آورد بیشتر از جانب سایرین مورد مواخذه قرار

می‌گرفت و ورزش کردن او کار بی‌ثمری تلقی می‌شد. لذا در چنین حالتی برای فرار از بازخوردهای منفی دیگران احتمالاً فرد ورزش خود را به صورت پنهانی ادامه می‌داد. اما در حال حاضر حتی خانواده‌ها با وضعیت مالی پایین تمایل زیادی به ورزش کردن فرزندان خود دارند و هزینه‌کرد در ورزش فرزندان را حتی نوعی سرمایه‌گذاری در آینده وی می‌پندارند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت این پژوهش از جمله معدود پژوهش‌هایی بود که ورزش را از منظر نسلی و بین نسل‌های مختلف ایرانی مورد مطالعه قرار داد. همچنین با توجه به روش به‌کار گرفته‌شده در آن نمی‌توان به راحتی نتایج را به سایر حالت‌ها تعمیم داد. این امر لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر را نشان می‌دهد. ورزش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر زندگی امروزی پدیده‌ای قدرتمند از نظر اجتماعی است و روزبه‌روز بر پیچیدگی ابعاد و جنبه‌های آن افزوده می‌شود. لذا تغییرات ارزشی و فرهنگی که همواره بین نسل‌های مختلف وجود دارد و محل توجه جامعه شناسان و عالمان علوم اجتماعی قرار گرفته است باید در زمینه ورزش نیز مورد توجه پژوهشگران این علم از جمله جامعه شناسان ورزشی قرار گیرد. نتایج به‌طور کلی مؤید این بود که نسل‌های چهارگانه ایرانی در زمینه ارزش‌های و تجارب ورزشی تفاوت‌هایی را نسبت به هم دارند. البته در برخی از زمینه‌ها تفاوت‌هایی وجود نداشت در مقابل برخی از زمینه‌ها شاهد تفاوت زیادی بود. این تفاوت‌ها باید توسط متصدیان، برنامه‌ریزان و مدیران امر ورزش و مدیریت ورزشی مورد توجه قرار گیرد تا زمینه مشارکت حداکثری همه نسل‌های ایرانی در ورزش فراهم گردد. همچنین لازم است به برخی از تجارب منفی پدیده ورزش که غالباً در نسل‌های اول و دوم پررنگ‌تر بود، توجه گردد تا این نسل‌ها نیز بتوانند از تجارب مثبت ورزش بیشتر بهره ببرند. همچنانکه ریوردیتو^۱ و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند تجارب مثبت ورزشی می‌تواند به عنوان نشانگر مناسب برای ارزیابی نتایج و تأثیر برنامه‌های ورزشی مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین با مدنظر قرار دادن مداوم تجارب افراد از ورزش می‌توان در صورت نیاز نسبت به بازبینی روش‌های اجرایی اقدام نمود.

منابع

1. Aflakifard, H., Mirshah Jafari, S. E., Sadatmand, Z., & Keshti Aray, N. (2013). Abstraction of Intergenerational Education in Curriculum Era: A Qualitative Research. *New Approach in Educational Management*, 4(15), 217-248. (Persian) .
2. Ahmadi, Y., & Namaki, A. (2013). Democratic Political Culture among Iranian Generations (A Secondary Analysis of the World Values Survey (WVS) for Iran, Its Ethnic and Provinces). *Journal of Applied Sociology*, 24(3), 131-154. (Persian) .

1. Reverdito

3. Azizi, B., Jalali Farahani, M., & Khabiri, M. (2011). Survey of the attitudes of students living in university of Tehran dormitories towards sport for all. *Journal of Sport Management*, 5(3), 75-91. (Persian) .
4. Blazo, J. A., Czech, D. R., Carson, S., & Dees, W. (2014). A qualitative investigation of the sibling sport achievement experience. *The Sport Psychologist*, 28(1), 36-47 .
5. Bollas, C. (2013). *Being a Character: Psychoanalysis and Self Experience*. London: Routledge.
6. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Translated by Hasan Chavoshian. Tehran: Sales.
7. Chitsaz ghomi, M. J. (2007). Recognition of generation concepts and generation gap. *Research of Youth, Culture and Society*, 1(1), 85-112. (Persian) .
8. Clemes, M. D., Brush, G. J., & Collins, M. J. (2011). Analyzing the professional sport experience: A hierarchical approach. *Sport Management Review*, 14(4), 370-388 .
9. Colaizzi, P. F. (1978). Psychological research as the phenomenologist views it. In R. S. Valle & M. King (Eds.), *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology*. New York: Oxford University
10. Danesh, P., Zakeri Nasrabadi, Z., & Abdellahi, A. S. (2014). Sociological Analysis of the Generation Gap in Iran. *Sociological Cultural Studies*, 5(3), 1-30. (Persian) .
11. Ebben, W., & Brudzynski, L. (2008). MOTIVATIONS AND BARRIERS TO EXERCISE AMONG COLLEGE STUDENTS. *Journal of Exercise Physiology Online*, 11 (5), 1-11.
12. Eyvazi, G. (2015). Sociological Study of the Generation Gap in Iran after the Islamic Revolution with Emphasis on Cultural Elements of the Iranian Identity. *Journal of Islam and Social Studies*, 3(11), 90-120. (Persian) .
13. Fry, M. D., & Lori, G.-O. (2010). Exploring the contribution of the caring climate to the youth sport experience. *Journal of applied sport psychology*, 22(3), 294-304 .
14. Heravi Karimloo, M., Anoosheh, M., Foroughan, M., Sheykhi, M. T., Hajizade, E., Seyed Bagher Maddah, M. S., Ahmadi, F. (2008). Loneliness from the Perspectives of Elderly People: A Phenomenological Study. *Iranian Journal of Ageing*, 2(4), 410-420. (Persian) .
15. Jafarzadeh Pour, f. (2017). Media, a tool for Generations Classification in Iran. *Sociological Cultural Studies*, 8(2), 1-17. (Persian)
16. Jajarmi, k. (1999). *Young generation: New generation structural features*. Tehran: Asian Studies Foundation. (Persian).

17. Kafashi, M. (2015). A Survey on Effective Social and Cultural Factors in Generation Gap in Tehran. *Quarterly journal OF Women & Society*, 6(21), 67-86. (Persian) .
18. Khanifar, H., & Moslemi, N. (2017). *Principles and foundations of qualitative research methods* .Tehran: Negah Danesh. (Persian).
19. Kosari, M. (2008). Generations of X, Y and Z and Cultural Policy in Iran. *Strategy for Culture* (3), 65-84. (Persian) .
20. Mohamad Pour, A. (2013). *Qualitative research method of anti-method 1* (Vol. 1). Tehran: Jameshenasan. (Persian).
21. Moidfar, S. (2004). Generation gap or cultural breakthrough (studying the generation gap in Iran). *Journal of Social Science Letter* (24), 55-80. (Persian)
22. Moin, M. (2008). *Moin Encyclopedic Dictionary*. Tehran: Farhang-e-Faza Publishing House, Arad Book. (Persian).
23. Patton, M. Q. (2014). *Qualitative Research & Evaluation Methods: Integrating Theory and Practice*: SAGE Publications.
24. Rabbani, R. (2010). *Youth sociology*. Tehran: Avaye Noor Publication. (Persian).
25. Reverdito, R. S., Carvalho, H. M., Galatti, L. R., Scaglia, A. J., Gonçalves, C. E., & Paes, R. R. (2017). Effects of youth participation in extra-curricular sport programs on perceived self-efficacy: A multilevel analysis. *Perceptual and motor skills*, 124(3), 569-583 .
26. Sandford, R. A., Duncombe, R., & Armour, K. M. (2008). The role of physical activity/sport in tackling youth disaffection and anti-social behavior. *Educational review*, 60(4), 419-435 .
27. Saroukhani, b. (1997). *Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: Keyhan Publication. (Persian).
28. Shalchi, V., & Ziyachi, M. (2014). Generational Differences in Lifestyle: A Case Study in 1st Zone of Tehran. *Socio-cultural Development Studies*, 3(1), 69-91. (Persian) .
29. Sohrabzadeh, M. (2010). Comparing Generative and Inter-generative Subjectivity in Post-Revolutionary Academic Generations in Iran. *Journal of Iranian Cultural Research*, 2(4), 263-294. (Persian) .
30. Tajik, M. R. (2002). Iranian society and the gap between generations. *Rahbord* (26), 264-280. (Persian)
31. Thompson, C. J. (1996). Caring consumers: Gendered consumption meanings and the juggling lifestyle. *Journal of Consumer Research*, 22(4), 388-407 .
32. Toulabi, Z., & Kamarbeigi, K. Value Differences between Parents and Children (A Review and Explanation of Value Differences in Ilam). *Journal of Family Research*, 9(2), 205- 219. (Persian) .

33. Warner, S., & Dixon, M. A. (2015). Competition, gender and the sport experience: An exploration among college athletes. *Sport, education and society*, 20(4), 527-545 .

ارجاع دهی

محمدی ترکمانی احسان، نریمان حمید، خنیفر حسین. (۱۳۹۸). شناسایی و مقایسه ارزش‌ها و تجارب ورزشی بین نسل‌های ایرانی. پژوهش در ورزش تربیتی. ۷(۱۷): ۸۶-۱۵۹. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2019.6347.1530

Mohamadi Turkmani E, Nariman H, Khanifar H. (2019). Identification and Comparison of Values and Sport Experiences between Iranian Generations. *Research on Educational Sport*, 7(17): 159-86. (Persian). Doi: 10.22089/RES.2019.6347.1530

Identification and Comparison of Values and Sport Experiences between Iranian Generations

E. Mohamadi Turkmani¹, H. Nariman², H. Khanifar³

1. Phd of Sport Management, College of Farabi-Tehran University (Corresponding Author)
2. M.sc Student of strategic management of Sport Organization, PNU south Tehran
3. Professor of Management, College of Farabi-Tehran University

Received: 2018/09/03

Accepted: 2019/02/03

Abstract

1. Email: Ehsan.mohamadi@ut.ac.ir
2. Email: h.nariman90@gmail.com
3. Email: khanifar@ut.ac.ir

The purpose of this study was to identification and comparison of values and sport experiences between Iranian generations. This study was mixed method and compilation of phenomenological methods, thematic analysis in qualitative and quantitative methods. The thematic analysis of 35 sources identified sports values framework, which was approved by a semi-structured interview with ten experts. Phenomenological interviews were conducted with 40 citizens from four different generations to analyze the differences in sport experiences, which were sampled in this section purposefully and accessible and completed with theoretical saturation. Also, statistical population for analyzing the value differences was all citizens of Tehran, which 384 of them were selected from four generations by stratified random sampling and completed a researcher-made questionnaire based on the results of the thematic analysis. The results showed that there are six groups of Profit-making, Social, Aesthetic, Gender, Health and Global values in the field of sport. There is a significant difference between the generations in profit-making, aesthetic, gender and health values, but there was no significant difference in social and universal values between the four generations. Also, Iranian citizens have experience five categories from sport experience including superior physics, superior spirit, distinction, superior social status, and negative experiences that these experiences were in two broad categories of individual and social experiences. Generally, the positive experiences of sport in the third and fourth generations and negative experiences of it in the first and second generations were more significant, so it is necessary that these differences between the generations are considered by planners and sports managers to provide the maximum participation of all generations in sport.

Keywords: Sport Experience, Iranian Generations, Sport Values, Distinction